

## تناقض‌های امر به معروف حکومتی؛ گفت و گو با دو روشنفکر دینی

منبع: سایت ایران وایر، روز دوشنبه، مورخ: ۹۳/۸/۱۹

«قانون اساسی» جمهوری اسلامی در اصل هشتم بر «امر به معروف و نهی از منکر» تاکید کرده و آن را «وظیفه ای همگانی و متفاوت بر عهده مردم نسبت به یک‌دیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت» عنوان کرده است.

صرف نظر از انتقادهایی که از سوی حقوق‌دان‌ها بر قوانین وضع شده در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر مطرح می‌شود، بسیاری از روشن‌فکران دینی نیز بر این اعتقاد هستند که نه امر به معروف و نهی از منکر حکومتی و نه «حجاب اجباری» که بیش‌تر در ایران مورد امر و نهی قرار می‌گیرد، مبنای اسلامی نداشته و در تعارض با بسیاری از اصول و تعالیم دینی، از جمله «نبود اجبار در دین و آزادی و کرامت انسانی» است.

در سال‌های اخیر بسیاری از نوآندیشان دینی از ضرورت شکل‌گیری «حکومت سکولار» سخن گفته‌اند. «عبدالله احمد النعیم»، متفکر سودانی الاصل و استاد حقوق، یکی از هواداران نظریه حکومت سکولار است.

وی حکومت سکولار را نه تنها مفهومی غربی و ضد اسلامی نمی‌داند بلکه حتی می‌گوید که حکومت سکولار با شریعت اسلام و لوازم آن بیش‌تر سازگاری دارد تا حکومت دینی زیرا: «به عنوان یک مسلمان، من محتاج به یک حکومت سکولار هستم تا بتوانم از روی باور قلبی، اسلام بورزم.»

اجرای قوانین مذهبی اگر به صورت داوطلبانه و از روی باور قلبی انجام نگیرد، تنها به شکل‌گیری و رواج فرهنگ تظاهر‌گرایی در جامعه منجر خواهد شد.

به گفته النعیم، قرآن نیز هیچ‌گاه شکل خاصی از حکومت را تجویز نکرده و تنها از «جامعه مومنان» سخن گفته است. «صدیقه وسمقی»، دین‌پژوه و دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی از پوشش و لباس به عنوان یک مقوله فرهنگی یاد کرده و می‌گوید: «پوشش و لباس یک مقوله فرهنگی است و پدیده‌ای نیست که در طول تاریخ از سوی پیامبران آورده شده باشد. پوشش و لباس به تدریج در طول تاریخ توسط انسان کشف و به مرور زمان دچار تحول شده است. آیاتی هم که در قرآن در مورد حجاب وجود دارد، ناظر بر فرهنگ آن جامعه‌ای است که قرآن در آن نازل شده است. اساساً در قرآن هیچ دلیلی وجود ندارد مبنی بر این که زن‌ها حتماً باید موی سرشان را بپوشانند و حد و حدودی برای پوشش تعیین نشده است آن‌طور که امروز در ایران سخت‌گیری می‌شود. حجاب اصولاً امری فرهنگی و عرفی است. علاوه بر آن، در مورد حد و حدود حجاب اختلاف نظر فراوانی وجود دارد و در مورد امری که مورد مناقشه است، نمی‌توان حکم قطعی صادر کرد.»

وسمقی با تاکید بر این که کاربرد اصلی و مهم امر به معروف و نهی از منکر در رابطه مردم با حکومت تعریف می‌شود، افزود: «مردم برای حفظ صاحبان قدرت از فساد باید به آن‌ها تذکر دهند چرا که اموال مردم در دست حاکمان است. قدرت سیاسی و بسیاری از امکانات در اختیار حاکمان است و اگر تذکر و نظارت مردم نباشد، حاکمان به آسانی فاسد شده، جامعه را نیز به فساد می‌کشند. قرآن هم در حقیقت همین نگاه را به مسأله امر به معروف و نهی از منکر دارد.»

به اعتقاد این دین‌پژوه، منکر و معروف را «عرف» جامعه تعیین می‌کند: «اما جمهوری اسلامی این دستور اخلاقی و دینی را تشکیلاتی و حکومتی کرده است و از آن به عنوان ابزاری علیه آزادی‌های فردی و برای تحمیل نظرات خود استفاده می‌کند. این درحالی است

که وقتی مردم، حاکمان و مسوولان را امر به معروف و یا نهی از منکر می کنند، کار آن ها تبلیغ علیه نظام و یا تشویش اذهان عمومی تعبیر می شود. تمام موضوعات مهمی که در این ارتباط قرار دارند، اصولاً جایی بحث نشده اند و این مسایل تنها با سلیقه یک جمعی که ما اصلاً نمی دانیم چه کسانی هستند، تعریف و مصادیق آن ها تعیین شده و با تکیه بر زور و قدرتی که در اختیار این گروه قرار گرفته است، بر جامعه تحمیل می شود. استفاده از زور و قدرت سیاسی با این دستور دینی سازگاری ندارد و منجر به تخریب امر به معروف و نهی از منکر شده و آن را از ماهیت اخلاقی و عقلی خارج کرده، به ابزاری برای ارباب و تهدید تبدیل می کند.»

«سروش دباغ»، پژوهش گر دانشکده مطالعات تاریخ «دانشگاه تورنتو» هم معتقد است به موضوع امر به معروف و نهی از منکر در باب حجاب می توان از دو منظر نگریست: «یک موقع است که بگوییم حجاب به معنای پوشاندن گردن و موی سر یک حکم دینی است؛ دیگر این که حکومت مسوول اجرای احکام دینی از جمله حجاب است. در مورد مساله اول، یعنی وجوب حجاب، برخی از فقها چنین داوری دارند. اما از سوی دیگر، برخی از نواندیشان دینی مانند مرحوم "احمد قابل" و آقایان "محسن کدیور" و "حسن یوسفی اشکوری" بر این باور هستند که حجاب اجباری مبنای دینی ندارد.»

وی با اشاره به مقاله های چهارگانه ای که در این باب نوشته است، می گوید: «از منظر اخلاقی، پوشاندن گردن و موی سر قبح اخلاقی ندارد و آن چه که محوریت دارد، رفتار عقیفانه است. رفتار عقیفانه الزاماً ملازمتی با پوشاندن موی سر و گردن ندارد؛ بدین معنا که پوشاندن موی سر و گردن می تواند امری عقیفانه باشد اما کسی می تواند موی سر و گردنش را هم بپوشاند و رفتارش موقر و عقیفانه باشد. در حقیقت، حجاب است که در زیر مجموعه عفت قرار می گیرد و نه بالعکس.»

سروش دباغ در مورد مسوول بودن حکومت در اجرای احکام دینی مانند حجاب اجباری افزود: «حتی اگر قائل به ضروری بودن حکم حجاب هم باشیم، خیلی فرق دارد با این که معتقد به اجرای آن توسط حکومت باشیم. البته که می دانم بسیاری از فقها به اجباری بودن حجاب اعتقاد دارند ولی بر فرض هم که چنین باشد، حداکثر برای مقلدان خودشان چنین حجیتی وجود دارد و نمی توان از همه افراد جامعه خواست که مطابق میل این عده از فقها رفتار کرده و موی سر خود را بپوشانند.»

او تأکید می کند: «ایمان ورزی توأم با اجبار فایده ای ندارد چرا که متضمن نفی کرامت انسانی و نادیده گرفتن اختیار آدمی است. خیری که از سر اختیار انجام نشود، هیچ ارزش اخلاقی ندارد. چه فایده که به زور، احکام دینی در جامعه ای اجرا شوند؟ کسانی که مایل هستند حجاب داشته باشند، البته باید از این امکان برخوردار باشند ولی کسانی هم که مایل نیستند، باید این اختیار را داشته باشند که بتوانند مطابق با قوانین عرفی جامعه عمل کنند. برای نمونه، به دیگر کشورهای مسلمان مانند ترکیه، مالزی، اندونزی، لبنان و... نگاه کنید؛ با این که جمعیت مسلمان دارند اما حکومت هایشان هیچ اصراری بر اجرای احکام شریعت ندارند. مگر می توانیم بگوییم مردم این کشورها کم تر از ما مسلمان هستند؟»

دباغ با تأکید بر این که وظیفه دولت اجرای احکام شریعت نیست، افزود: «جامعه مدنی می تواند از طریق اقدامات فرهنگی از قبیل نوشتن مقاله و ... در زمینه امر به معروف و نهی از منکر فعالیت کند اما حکومت باید بی طرف باشد.»

مرور آرای بسیاری از نواندیشان دینی نشان می دهد که آن ها علاوه بر این که قائل به وجوب حکم حجاب در اسلام نیستند، اجرای احکام دینی توسط حکومت و امر به معروف و نهی از منکر حکومتی را نیز از منظر اسلام قابل قبول نمی دانند زیرا متضمن نفی بسیاری از تعالیم دینی، از جمله عدم اجبار در پذیرش و اجرای اصول دینی و هم چنین رواج فرهنگ ریاکاری و تظاهرگرایی در جامعه است.